

مصاحبه شونده: دکتر سیدتقی اخوان نیاکی

مصاحبه کننده: محمدتقی صالحی

تاریخ مصاحبه: ۸۴/۳/۲۳

دانشکده: مهندسی صنایع

سال ورود: ۱۳۵۳

یک خلاصه‌ای از سوابق علمی و اجرایی خودتان را برای ما بیان کنید؟

در کنکوری که سال ۱۳۵۳ دانشگاه خودش، سوای کنکور سراسری برگزار کرد، پذیرفته شدم. آن موقع دانشگاه صنعتی، دانشگاه تازه‌ای بود و نوپا و من در دوره‌ی هفتم وارد شدم و در همین مدت کوتاه، خودش را نشان داده بود و بهمین دلیل، من هم شریف را انتخاب کردم. خب آن دوران دانشجویی، دوران خیلی خوبی بود که خیلی زود گذشت و وقتی می‌گذرد، آدم می‌فهمد که چه دوران خوبی بود و در آن دوران، دوران آغاز اعتصابات بود که خب، اعتصابات جنبه صنفی و غیره هم داشت ولی بالاخره رنگ و بوی سیاسی پیدا می‌کرد و سیاسی می‌شد و این اعتصابات ادامه پیدا کرد - کم و بیش - تا پیروزی انقلاب و من در بهمن ۵۸ فارغ‌التحصیل شدم و بعد به خدمت سربازی رفتم و در فنی مهندسی و در زمان جنگ خدمت کردم و آن موقع، استادهايمان می‌گفتند که این جنگ زیاد طول نمی‌کشد و ۲-۳ ماه بیشتر نمی‌شود، چون ما امکانات زیادی برای جنگیدن نداریم و نمی‌توانیم طولش بدهیم، که این ۲ ماه تبدیل شود به ۱۸ ماه و بعد هم ۶ ماه احتیاط، خلاصه در فنی مهندسی اهواز خدمت می‌کردم، لشکر ۹۲ زرهی و سال ۶۱ سربازی‌ام تمام شد. و از شهریور آن سال من در کارخانه کنتور سازی شهر صنعتی البرز قزوین، مشغول به کار شدم، بعد آگهی اعزام به خارج دانشجویان را در روزنامه دیدم و امتحان دادم و جزء دانشجویان اعزامی شدم که در رفت و آمد بین شهر صنعتی و تهران بودم که تا وقتی که ویزا گرفتم و غیره و ذالک. فرزندمان هم در همان زمان بدنیا آمد که خب زندگی با بچه و درس، خیلی سخت بود، بطوریکه بعضی وقت‌ها می‌گفتم که خب، ما داشتیم زندگی‌مان را می‌کردیم و برای چه حالا پاشدیم و آمدیم تا درس بخوانیم. خلاصه سال ۶۷ فوق لیسانس‌ام را گرفتم و سال ۷۱ هم دکترایم را.

نقش دانشگاه در جریانات بهمن ۵۷.

این دانشگاه لیدر بود، بیشتر فعالیت‌های ضد رژیم که انجام می‌شد در این دانشگاه بود. اولین مخالفت‌ها و اولین حرکت‌ها در مقابل سیاست‌های شاه از اینجا بود و یادم می‌آید، اولین تظاهرات هم از طرف استادان اینجا که تحصن کرده بودند و شب را هم اینجا خوابیده بودند، انجام شد. آن سال قرار بود دانشگاه به اصفهان انتقال پیدا کند.

به نظر شما چه ویژگی باعث ممتازی و عامل ماندگاری دانشگاه شریف شده است؟

یک مقداری، یک مقدار زیادش، من فکر می‌کنم بر می‌گردد به مدیریت دانشگاه مخصوصاً در دوره‌ی دکتر امین که اداره‌ی شورایی دانشگاه را بنیان گذاشتند. این طور که این مشکل را ما اعضای هیأت علمی الان داریم و حالا خودتان، خود اعضای هیأت علمی بیایند و نظر بدهند برای حل این مشکل وقتی فکر جوان باشد، وقتی عقل جمعی باشد، وقتی که گرفتاری اقتصادی کمتر باشد وقتی که همه تمام وقت باشند و مجاز نباشند که جای دیگر کار کنند و دیگر اینکه همه در کنار هم بودند و هر وقت لازم بود، همه کنار هم بودند و بسیار ایده‌های خوبی می‌دادند و قوانین بسیار منظم و مرتبی در آن موقع تدوین شد و این شد که سیستم، وقتی از ریشه درست باشد، آن نهال و درخت بسیار بارور می‌شود و اثرات بسیار خوبی خواهد داشت و من فکر می‌کنم، الان هم این پتانسیل وجود دارد که برود به سمت شکوفایی، البته الان هم بهترین دانشگاه است که چون، من اینجا هستم نمی‌گویم اینجا مهمترین دانشگاه است، بلکه همه اذعان دارند. بطور مثال دانشجویانی که در دوره‌ی کارشناسی ارشد می‌آیند، می‌گویند که اینجا اصلاً قابل مقایسه نیست با دانشگاه‌های دیگر ایران. یا فارغ‌التحصیل‌های ما که می‌روند خارج از کشور باز می‌گویند که مشخص است و هم این پتانسیل وجود دارد که این شاخص تر بشود با این نیروی جوان که در دانشگاه وجود دارد. یک مقدار اگر زمینه‌های اداری دانشگاه مناسب‌تر بشود و یک مقدار زمینه‌های معیشتی، مناسب‌تر بشود باز شکوفاتر خواهد شد.

عوامل دیگری اگر به ذهن شما می‌رسد، بطور مثال من یک مقداری آن را در ورودی‌های این سیستم می‌دانم، عوامل دیگر مثل امکانات و غیره؟

اگر یک سیستم خوب پایه‌گذاری بشود، هیچ چیزی نمی‌تواند آن را خراب کند. من عامل دیگر را در پیشکسوت‌های دانشگاه می‌دانم که زندگی‌شان را در این دانشگاه گذاشتند، پیشکسوت‌هایی که بودند و پیشکسوت‌هایی که هنوز هستند و می‌توان از تجربیات آنها استفاده کرد، پیشکسوت‌هایی که استخوان‌های دانشگاه هستند و راهنمایی‌هایی که اینها می‌کنند، خیلی می‌تواند در از بین رفتن مشکلات دانشگاه کمک بکند و دانشگاه را سر پا نگه‌دارد.

تأثیر دانشگاه در نظام مدیریت اعم از آموزشی، سیاسی و غیره را چقدر می‌دانید؟

این هم خوب، خیلی واضح است که ما خیلی از مسئولین نظامان، فارغ‌التحصیل این دانشگاه هستند. متأسفانه یک مقداری از فارغ‌التحصیلان خیلی خوب ما، بدلیل شرایط، نماندند. اگر می‌ماندند، این قضیه بیشتر نماد پیدا می‌کرد ولی باز همان‌هایی که ماندند در هر رشته‌یی که هستند، چه کار مدیریتی، چه کار صنعتی، هر جا باشد شاخص هستند. چه آموزشی و چه اجرایی.

ارتباط شما با دانشجویان خود و هم‌دوره‌ای‌هایتان چطور است؟

بطور اتفاقی که در این سمینارها و همایش‌ها، هم‌دوره‌ایها را بعضی‌هایشان را می‌بینم، آنهایی که داخل کشور هستند ولی خوشبختانه این انجمن فارغ‌التحصیلان، شاخه‌ی مهندسی صنایع‌اش، ماهیانه یک جلسه دارد که برخی دوستان جمع می‌شوند و هم ورودی‌های دوره‌ی نهم هم، جلسه‌ای را جدیداً گذاشته‌اند که در دانشکده صنایع جمع می‌شوند. ولی برنامه خاصی که مشخص باشد، نداریم.

با دانشجویان‌تان چطور؟

اولین کلاس که دانشجویان می‌آیند و با من دارند، یک کلاس احتمالات که یک کلاس ۸۰-۹۰ نفره است و بسیار پر جمعیت است و خوب کلاسی که ۸۰-۹۰ نفره هم باشد می‌طلبد که یک مقداری دیسپلین، ضوابط مقررات و کنترل داشته باشد که اگر اینها را نداشته باشد از هم می‌پاشد. اکثر دانشجویانی که مرا می‌شناسند و این کلاس را بر می‌دارند، می‌گویند که این استاد بسیار سخت‌گیر است و از این حرف‌ها و خیلی‌ها که بعدها کلاس‌های بعدی را بر می‌دارند و بیشتر نزدیک می‌شویم، می‌گویند که ما اصلاً می‌ترسیم که بیائیم و با شما درس بگیریم و آن کلاس اول که در ترم اول هم برگزار می‌شود؛ متأسفانه این حالت بد را ایجاد می‌کند بعد که درس بر می‌دارند، می‌بینند که خوب، این طور نیست و کسانی که درس نمی‌گیرند، متأسفانه این احساس بد را دارند.

یکی از کارهایی که من می‌کنم این است که من نام تمام دانشجویانی که روزی با من درس داشته‌اند را در یک دفترچه ثبت می‌کنم چه درسی و نام دانشجو و نمره و غیره.